

جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۱۰
خانم هینزیک جمهوریخواه وفادار بود، اما قابل تغییر نیز بود. او مخالف کاندیداتوری همسرش برای ریاست جمهوری بود. آن هم تغییر پذیر گشت. ۸ سال بعد، در سن ۵۹ سالگی، جان کری اعلام کرد که در برابر بوش می ایستد. در نخستین گام او می بایست به مردم ایالت ماساچوست ثابت می کرد که به توصیف مک کین، "جنس مرغوبی" است.

سناتور کری برای بالاتر کشاندن و مطرح کردن خود، از کمکهای سناتور کندی نیز بهره مند گشته و موفقیت‌های چشمگیری به دست آورده بود. از این رو، او لازم دید به سناتور کندی نزدیک تر شود.

کری و سیاست داخلی و خارجی اش در سالهای گذشته

طی سالهای گذشته، کری در سیاست داخلی و حتی خارجی خود آنچنان نظرات ضد و نقیضی ارائه داده است که حتی کارمندان دفترش را نیز در سرگردانی قرار داده است. برای مثال، او در سال ۱۹۹۲، اعلام کرد که تصمیم دارد در زمینه مشکل تبعیض نژادی، مسایل جنایی و مشکلات شهروندی فعالیت کند. او در یکی از سخنرانیهایش در رابطه با مشکل از هم گسستگی جامعه، این سوال را که آیا زیاده روی در سالهای ۶۰ از نظر روانی سبب ایجاد گرایش عمیقی به سوی بی توجهی به وضعیت دیگران گشته است، مطرح می کند. اما دیری نمی پایید که در جای دیگری می گوید که جنبش کسب حقوق مدنی به مرحله ای رسیده است که تبعیض مثبت، رای دهندگان سفید پوست را منزوی کرده است. او می افزاید: واقعیت این است که تبعیض مثبت، موجب افزایش گرایش مردم آمریکا به تبعیض نژادی گردیده است. از طرف دیگر، در سال ۱۹۹۴، کری موافقت سنا و کلیتون را جهت استقرار صد هزار پلیس دیگر در خیابانها به دست می آورد. او همچنین برای این که بتواند بر میلیونرهای رقیبش چیره شود، تصمیم به گسترش فعالیت خود در بازار تلویزیون و رسانه ها گرفته و برای این کار از خرج کردن ثروت به دست آمده اش کوتاهی نمی کند.

کری در سیاست خارجی اش نیز به همین گونه تزلزل نشان داده است. پس از اشغال کویت از جانب عراق، او معتقد بود که آمریکا باید برای صدام

حسین فضایی دیپلماتیک باقی بگذارد تا در صورت عقب نشینی بتواند حیثیت خود را حفظ کند. در این راستا کری به استفاده از نیروی نظامی در این زمینه رای منفی داد. اما در سال ۱۹۹۱، او مدافع جنگ شد و از مصوبه متحدین آمریکا در این باره مشتاقانه حمایت کرد. کری سپس نامه هایی به افراد سرشناس در این زمینه فرستاد که به نظر می آمد هر دو طرف مخالف و موافق را حمایت می کنند. در این باره بعدا گفت که اشتباه کامپیوتری صورت گرفته است.

پروسه نامزدی کری در انتخابات

با رو در رو قرار گرفتن بوش و کری، اکنون صحنه برای مسابقه انتخابات ریاست جمهوری بین دو نماینده مدافع ساختار سیاسی، آماده گشته است. در کشوری که جمعیت آن نزدیک به ۳۰۰ میلیون نفر است و دارای ساختار اجتماعی پیچیده ای می باشد، دو نفر در سیستم دو حزبی که در واقع دارای هیچ تفاوت بنیادی با یکدیگر نیستند، در برابر هم قرار می گیرند. کاندیداهایی که تفاوت‌های اندکی با این دو داشتند، یک به یک قربانی رسانه های خبری که اهداف طبقه حاکم را پیش می بردند، گشتند.

هاوارد دین، شهردار سابق ایالت ورمانت، یک کاندید دمکرات که تا مدتی نفر جلو صف کاندیدها بود و خود را به اپوزسیون جنگ بسیار نزدیک معرفی می کرد، به سادگی در فاصله ای کمتر از دو ماه توسط رسانه های گروهی کنار گذاشته شد. بسیاری از رهبران تظاهرات چند میلیون نفره ضد جنگ در سراسر آمریکا، بر او برای پیشبرد اعتراضاتشان تکیه می کردند. این از بی تجربگی این جنبش بود که تصور می کرد می تواند مبارزه مزبور را از کانال حزب دمکرات به پیش ببرد. رهبران تظاهرات ضد جنگ از افرادی بودند که در تظاهرات رادیکال سالهای ۶۰ شرکت داشتند. آنها در آن دوره نیز به دلیل تکیه بر دمکراتها به بن بست رسیده بودند.

هاوارد دین که مانند دیگر نامزدهای حزب دمکرات، نماینده طبقه بورژوازی این کشور و از مدافعان امپریالیسم آمریکا است، در نظر به سیاستهایی که در رابطه با شغل سابقش اتخاذ کرده بود، فردی میانه رو به شمار می آمد. با این حال، او به خاطر موضع مخالف جنگ، در ماه ژوئیه سال گذشته، در اکثر ایالت‌های مهم در جلو صف قرار گرفته بود.

در این زمان، کری و جان ادوارد یک کاندید دمکرات دیگر، با دنباله روی از هاوارد دین و تکیه بر خواست ضد جنگ مردم و همچنین یاری رسانه های گروهی، به پیش رانده شدند. این درحالی صورت می گرفت که همان رسانه ها، حملات شدیدی را علیه هاوارد دین آغاز کرده بودند. البته دو کاندید دیگر، دنیس کوسی نیچ و آل شاپتون که ظاهرا چپگرا بودند اما شانس چندانی نداشتند، مورد تشویق قرار می گرفتند تا به فرض واقعی بودن نمایش، حقانیت بخشیده شود.

سرانجام، با آشکار شدن این واقعیت که جنگ علیه عراق توسط طرح اطلاعات نادرست آغاز گشته و دولت بوش هیچگونه نشانه ای از وجود سلاح کشتار جمعی در عراق در دست نداشته است، کری و ادوارد که هر دو به جنگ رای موافق داده بودند، شعله بحث مربوط به جنگ را در تبلیغات انتخاباتی خود فرو نشاندند. با این حال وجود هاوارد دین، پروسه رشد احساسات ضد جنگ که در میان مردم آمریکا هر روز عمیق تر می شد را به چهارچوب این حزب نیز گسترش داد.

از سوی دیگر رالف نادر از حزب سبزها که خارج از دو حزب خود را کاندید ریاست جمهوری کرده بود، تصمیم به کناره گیری به سود کری گرفت. نادر که شانس به دست آوردن ۵ تا ۷ درصد رای را داشت، سیستم سیاسی آمریکا را "دو حزبی که به سر سختی با هم در رقابت هستند تا معلوم شود کدامیک به کاخ سفید می روند و از سروران ثروتمندشان دستور بگیرند"، توصیف کرده بود. او مخالفت خود را با اشغال عراق از جانب آمریکا ابراز کرده و گفت، حتی اگر آل گور، نامزد حزب دمکرات، ۴ سال پیش برنده انتخابات شده بود باز هم این جنگ به وقوع می پیوست. رالف نادر از سوی بسیاری از جمله دمکراتها که جیمی کارتر هم یکی از آنان بود، بارها تحت فشار قرار گرفت تا برای جلوگیری از انتخاب بوش از این انتخابات کناره گیری کند.

و سرانجام کری با دادن وعده و حرفهای متناقضی که هر دو جناح و منافع آنان و اربابانشان را خشنود می کرد، همه رقبایش را کنار زده و در برابر بوش که اکنون حتی برخی از جمهوریخواهان هم معتقدند باید بروی، قرار گرفت.

تفاوتها در سیاست داخلی بوش و کری

پیرامون داغ ترین موضوعات روی میز یعنی جنگ در عراق، تفاوت کری و بوش تنها در به کارگیری تاکتیکها انعکاس پیدا می کند. کری همچنان مخالف خروج نیروهای اشغالگر آمریکا از عراق است و معتقد است که برای خاموش کردن آتش به پا شده، باید از همه امکانات نظامی و منابع موجود استفاده شود.

روزنامه واشنگتن پست، در روز سه شنبه ۲ مارس، مقاله ای از رابرت کاگان، نویسنده دست راستی به چاپ رساند. در این مقاله، نویسنده با طرح این نظر که نامزدی کری برای انتخابات بدین معناست که مسله جنگ با عراق دیگر مطرح نیست می گوید: "مشخص است که بزرگترین انتقاد به سیاست خارجی بوش، دیگر مسئله تجاوز به خاک عراق نخواهد بود. بزرگترین کاندید ضد جنگ، هاوارد دین، کناره‌گذاشته شده است. دو کاندید باقیمانده دمکراتها (جان کری و جان ادوارد)، هر دو به جنگ رای مثبت داده بودند."

در واقع کری چه در سیاست داخلی و چه در سیاست خارجی، تفاوت فاحشی با بوش ندارد. هر دو معتقد و مدافع سیستم بهره وری و چیرگی بر زندگی مردم زحمتکش از جانب اقلیت کوچکی از میلیونرها و بلیونرها می باشند. کری و بوش این اقلیت را نمایندگی می کنند و به آن تعلق دارند. آنها هر دو مدافع وابسته کردن هر چه بیشتر دهها میلیون کارگر و مزد بگیر به منافع کمپانیهای بزرگ و بانکها و الزاماتی که این وابستگی را تضمین می کند، هستند.

کری در سخنرانی خود در باره سیاست خارجی به روشنی اظهار داشت که او هم از زاویه راست و هم از چپ، بوش را مورد انتقاد قرار خواهد داد. اختصاص بودجه ناکافی برای حفظ امنیت ملی، ضعف در جنگ افغانستان و همچنین عدم رودررویی جدی با کره شمالی که دارای سلاح اتمی است، از جمله انتقادات کری به بوش است.

تفاوت سیاست خارجی کری و راه حل استفاده از نیروی نظامی هر چه بیشتر از جانب او، با آنچه که دکترین بوش در این زمینه را تشکیل می دهد، به سختی قابل تمایز است. او می گوید اگر لازم باشد "دستور حمله نظامی مستقیم" به گروههای تروریستی را خواهد داد و می افزاید: "رییس جمهور هیچ کشوری نمی تواند دست مارا ببندد" و نیز "ما بدون حمایت بین المللی عمل خواهیم کرد."

بقیه در صفحه ۱۲